

خبر

تکذیب دیدار مخفیانه هوک با جان کری درباره ایران

● **ایسنا:** به گزارش پایگاه خبری واشنگتن فری بیکن، برایان هوک، نماینده ویژه وزارت امور خارجه آمریکا، درخصوص ایران گزارش‌های اخیر را در فضای مجازی مبنی‌بر اینکه وی به‌طور مخفیانه با جان کری، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا، درباره ایران دیدار کرده است، رد کرد.یک روزنامه‌نگار و مفسر روز جمعه تصاویری از برایان هوک در مونیخ در فضای مجازی منتشر کرد و مدعی شد که منابع آگاه به او گفته‌اند که هوک در این تصاویر در حال رفتن به یک دیدار مخفیانه با جان کری و افرادی متشکل از چند مرد و نیروهای امنیتی بوده است که همگی به زبان فارسی صحبت می‌کرده‌اند.چند منبع آگاه با واشنگتن فری بیکن درباره این گزارش گفت‌وگو کردند و جزئیات مشابهی ارائه دادند. اظهارات آنها سوالات زیادی درباره این مسئله به وجود آورده که چرا یک مقام ارشد دولت دونالد ترامپ، باید با جان کری که نقشی کلیدی در حصول توافق هسته‌ای با ایران داشته و گفته می‌شود پس از خروج ترامپ از این توافق نیز بارها با مقامات ایرانی گفت‌وگو کرده است، دیدار کند.اما برایان هوک در گفت‌وگو با واشنگتن فری بیکن چنین دیداری را تکذیب کرد و گفت: واضح است که من در مونیخ با جان کری دیداری نکرده‌ام و هیچ نیاز و دلیلی هم وجود ندارد که در آینده با او دیداری داشته باشم. این اخبار جعلی هستند.

ادامه از صفحه ۲

پرونده به‌عمد یا غیر عمد مغفول مانده بود

ی‌با به دادسرای ویژه قضات که وظیفه اصلی آن همین است اعلام کند. اما اگر کاری می‌شود؛ استعلامی می‌شود، سوآلی پرسیده می‌شود، مشکلی [در کار] نیست».
۱۸ آذر:وقتی‌ردی‌از شکایت یافت نمی‌شد
هرچند در فاصله ۱۸ آذر تا ۲۳ مهر یک نشست دیگر نیز برگزار شد اما به واسطه اینکه هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیامده بود، در نشست آبان‌ماه ماجرا هیچ پیش‌رفتی نداشت.در این فاصله مسئولان دفتر محسنی‌آزادی ماجرا را دنبال کردند تا به اطلاعات بیشتری برسند اما جست‌وجوها به‌جایی نرسید و اصل وجود چنین شکایتی مورد تردید قرار گرفت. ۱۱ آذرماه بود که وکیل رئیس دولت اصلاحات ششماره کلاسه این پرونده را در اختیار «شرق» گذاشت و روزنامه هم این شماره را به دفتر سخنگوی قوه قضائیه فرستاد، این‌طور بود که در نشست ۱۸ آذر محسنی‌آزادی توضیح داد: «این‌جور شکایت‌ها سه جور مطرح می‌شود. من از دادستان پرسیدم، ایشان گفتند که من حضور ذهنی ندارم که فلان وکیل شکایتی علیه مدیرعامل کیهان انجام داده باشد. آمدمیز را مرکز رسانه پرسیدیم گفتند که ممکن است تحت این عنوان شکایت نشده باشد. ما از خود آقای شریعتمدار[ی] کمک خواستیم، نگفتیم علیه‌اش شکایتی شده، گفتیم آقای شریعتمدار[ی] شما کی به دادسرا یا دادگاه رفته‌اید - چون واقعشش نتوانستیم [این شکایت] را پیدا کنیم - ایشان هم گفته بود من هم شنیده‌ام [که شکایتی از من شده است] اما هیچ‌وقت احضاره‌ای برای من نیامده بود و ادعا کرده بود که یک زونکن هم آماده کرده‌اند که اگر شکایتی هم آمد، توضیح بدهم. تا آخر ایشان یا شخص دیگری این شماره کلاسه را برای ما ارسال کرده بودند؛ «۸۸/۳۲۸/۹» گفتم که دنبال کنند».

۱۶ادی: شکایت هنوز به نتیجه نرسیده‌است!

نشست بعدی دی‌ماه برگزار شد و برای اولین بار در طول جلسات اخیر زمان اضافه آمد و فرصت پیش آمد تا این موضوع دوباره دنبال شود. معاون اول قوه قضائیه این بار در پاسخ به یکپیکری‌های «شرق» گفت: «شاید الان با سوم است که [این موضوع] اینجا مطرح می‌شود. بنده آن‌موقع عرض کردم که نمی‌دانم [این پرونده] به کجا رسیده است. شماره‌ای را آوردند [شماره کلاسه پرونده]. دنبال کردیم و پرونده هنوز به نتیجه نرسیده است. حتی من از خود آقای شریعتمدار[ی] پرسیدم که بالاخره [ماجرا] چیست؟ گفتند که ما آماده هستیم و دو زونکن هم آماده کرده‌ایم. اما هنوز دعوتی نشده است. الان دنبال می‌شود ان‌شاءالله نتیجه آن که مشخص شد خدمت پیام عرض می‌کنیم».

پایان

به این ترتیب بود که «شرق» دیروز از سخنگو و معاون اول قوه قضائیه پرسید: «نشست خبری ۲۳ مهرماه، اولین جلسه‌ای بود که به‌طور مشخص بحث پرونده شکایت آقای خاتمی از آقای شریعتمداری... مورد پرسش قرار گرفت. آنجا نقل‌قولی از وکیل رئیس دولت اصلاحات مطرح شد مبنی بر اینکه این پرونده از سوی دادستان محترم تهران مطالبه شده است و تا زمان مصاحبه به شعبه مورد نظر بازنگشته است. شما در پاسخ گفتید این موضوع را دنبال می‌کنید و توضیح دادید که شکایت‌ها دو حالت دارند یا راکد هستند که غیرقانونی است و یا در حال یکپیکری‌اند. جواب آقای ازه‌ای لطفاً توضیح دهید چرا این پرونده که حساب آگاه باز شده است تا کنون به رای دادگاه، چه مبنی بر برائت و چه تشخیص جرم، منتهی نشده است؟ آیا مطالبه این پرونده از سوی دادستان تهران صحت دارد و آیا این پرونده هم‌اکنون به شعبه خود بازگشته است؟» و این بار محسنی‌آزادی با بازگشت پرونده شکایت خاتمی از شریعتمداری به چرخه قضائی خبر داد.

سیاست

دموکراسی از صندوق رأی بیرون می‌آید؟



عکس: کوه نور

کنیم، نه آنکه ریشه انتخابات را خشک کنیم. انتقاد به وضعیت قانون‌گذاری که آقای حجاریان هم به آن اشاره کرد، امروز منحصر به اصلاح‌طلبان نیست و آقای مطهری هم مدام اعتراض می‌کند چرا باید بر سر هر موضوعی استعلام بگیریم. **حجاریان:** من مقاله نوشتم و گفتم، همه منوبات رهبری را به قانون تبدیل کنید...
علوی‌تبار: توضیحات آقای تاجزاده نشان داد اینکه می‌گوییم فرصت انتخابات برایمان مهم است و نتیجه انتخابات اهمیت چندانی ندارد، واقعیت ندارد، یعنی دفاع ایشان از روش انتخابات، منحصر به سه مرحله اول یا همان مقطع پیش از رای‌گیری نیست، یعنی معطوف به وجود نیروهایی در نهادهای انتخابی است. بنابراین نمی‌توانید بگویید فرصت انتخابات مهم است اما احتمال دارد در انتخابات شرکت نکنیم. چون اگر در انتخابات شرکت نکردید، دیگر هیچ‌یک از نتایج مورد نظر به دست نخواهد آمد.

تاجزاده: نتیجه درستی نگرفتیم، زیرا ما در ۴۰ سال گذشته در همه ادوار انتخابات شرکت نکردیم و مثلاً انتخابات مجلس هفتم و دهم را شرکت نکردیم. منتها این‌ موضع مربوط به یک انتخابات خاص است؛ نمی‌خواهم پرونده انتخابات را به‌طور کامل ببندم. از این گذشته، زمانی شاید لازم بود از اعتبار خود خرج کنیم تا فراکسیون اقلیت تشکیل دهیم اما واقعیت این است در حال حاضر می‌توان بدون خرج از اعتبارمان چنین فراکسیونی داشته باشیم. این تجربه را ما پیش از این هم داشته‌ایم. حتی اگر در انتخابات نامزد معرفی نکنیم باز هم فراکسیونی در مجلس خواهیم داشت.

علوی‌تبار: در این صورت منتخبان تعهدی به پلتفرم اصلاح‌طلبان نخواهند داشت.

تاجزاده: ما هم از آنها دفاع نکرده‌ایم.
علوی‌تبار: این کار چه فایده‌ای برای اصلاحات دارد؟
تاجزاده: حداقل فایده‌اش تشکیل فراکسیون اصلاح‌طلبان است. الهیار صالح چندین سال بعد از تبعید دکترصمدق در انتخابات شرکت کرد. خودش هم می‌دانست در مجلس توفیق چندانی نخواهد داشت با این‌ حال یک مصدقی شناخته‌شده بود. بنابراین، فرمایش شما را با یک تبصره قبول دارم؛ ما هر وقت لازم باشد شرکت نمی‌کنیم، ولی برای اینکه انتخابات را غنی کنیم، اگر نظر شما چنین است، من همراهم.
علوی‌تبار: من تأیید می‌کنم، نظام‌های دموکراتیک در ایدئال‌ترین شکل بدون انتخابات بی‌معنا هستند. بنابراین، نفی انتخابات، از جهاتی نفی پروژه دموکراسی است. اما، باید به بعضی نکات و مفروضات توجه کنیم. ما قادر به انجام کار حزبی نیستیم؛ این را پذیرفتیم و براساس آن کنشگری می‌کنیم. الان، منسجم‌ترین تشکل‌ها را گروه‌ها ایجاد می‌کنند. یعنی، شرایط ایران را نباید صددرصد تشکل‌ناپذیر فرض کنیم. زمانی می‌گفتند خرده‌بورواوزاری ظرفیت سازماندهی و تشکل ندارد. گرچه بعداً معلوم شد خرده‌بورواوزی می‌تواند تشکل آهین‌ها را تشکیل دهد. سخن من این است آنهایی که راجع به انتخابات نظر منفی دارند، بخششان ناظر به چنین شرایطی است و نمی‌خواهند تا ابد از انتخابات عبور کنند.

ببینید! اصلاح‌طلبان لاقال نزد مردم با مشکل دستاورد مواجه‌اند. مردم می‌گویند ما به انتخابات می‌آیم و حجابیتان می‌کنیم اما شما بعد از آن چه می‌کنید؟ من معتقدم شاید نفس تلاش و مقاومت هدف است و نباید توقعی بیش از این داشت. ولی واقعیت امر این است، اگر چند نوبت دیگر در انتخابات شرکت کرد، اگر لولاج مورد نظر اصلاح‌طلبان در دستور کار قرار بگیرد، به‌طرق مختلف متوقف می‌شوند. واقعیت آن است، جریان مقابل سعی دارد به همه اعلام کند از طریق انتخابات نمی‌توانید تغییری ایجاد کنید. اگر مردم از صندوق رای ناامید شوند، انتخابات ظرفیت و موضوعیت خود را از دست می‌دهد و این ترس همگی ماست. به‌علاوه توجه کنید قدرت نهادهای انتخابی ابتدای امر به خودش بستگی دارد اما به مرور و

استفاده از فرصت موجود برای پیشبرد برنامه. **تاجزاده:** اما مردم الان می‌پرسند بعد از انتخابات قرار است چه کنید؟

علوی‌تبار: یعنی ما برای تشویق مردم درباره بعد از انتخابات صحبت می‌کنیم؟

تاجزاده: هم به‌منظور تشویق مردم و هم برای متعهدشدن خودمان. ما پیش‌تر به ۳۰ نفر رأی می‌دادیم و تمام! اما الان توصیه من به آقای خاتمی این است که از فهرستی حمایت نکند و صراحتاً بگوید من از ۳۰ نفر متعهد به مثلاً ۲۰ سرفصل دقیق حمایت می‌کنم، یعنی مردم باید بدانند، کاندیداهایشان به چه چیزی متعهد هستند.

حجاریان: شما به خاطر دارید، زمان جنگ به‌چه‌های بسیجی را سه ماه پشت جبهه و در انتظار عملیات نگه می‌داشتند. درواقع، آنها منتظر عملیات و زدن به خط مقدم بودند. این انتظار نباید طولانی می‌شد؛ زیرا نمی‌توان سرباز را پشت خط معطل کرد. او حتماً باید به خط برود. ما سه ماه به‌چه‌های سیاسی را در ستاد نگه می‌داریم و روز انتخابات، می‌گوییم کار تمام است و برگردید. همه به ستادهای دیگری گسیل می‌شوند و شقه می‌شویم. ما در بحث میدانی نمی‌توانیم مرحله اول و دوم انتخابات را از هم جدا کنیم. ما چند نفر می‌توانیم، مقاله بنویسیم و سخنرانی کنیم و بعد موتور را خاموش کنیم، اما جوان‌ها نمی‌توانند. این موضوع در انتخابات ریاست جمهوری جدی‌تر است، چون افراد به‌دنبال غنیمت می‌روند.

تاجزاده: من بدترین وضعیت را تصور می‌کنم. ما ثبت‌نام می‌کنیم، برنامه اعلام می‌کنیم، لحظه آخر کاندیداهای نزدیک به ما را درصالحات می‌کنند. آقای حجاریان می‌گوید، نیروهای بسج‌شده ما به ستاد معتدل‌ها سرازیر می‌شوند. خب چه مشکلی پیش می‌آید؟ من تأکید کردم، ممکن است مانند مجلس هفتم اعلامیه عدم شرکت منتشر کنیم، اما در همان انتخابات اگر فرد لایقی بی‌آلنگی از کوپن اصلاحات خرج کند، رای بیاورد، من با نامزدی او مخالفت نمی‌کنم.

حجاریان: به‌نظم باید از امروز درباره پلتفرم صحبت کنیم. به‌طور به مشخص به‌جای آنکه حرف‌های کلی بزنیم، در جلسات آتی، درباره مشکلات پارلمان در ایران صحبت کنیم. **تاجزاده:** موافقم. با این روش اقتصادی که آقای علوی‌تبار هم مطرح کرد، پاسخ داده می‌شود. بنابراین باید بحث پلتفرم را جدی گرفت. در کنار این باید به تغییر آرایش نیروهای سیاسی فکر کنیم. امروز جوان‌ها دچار سرخوردگی شده‌اند و حتی بعضاً سیاست‌ورزی را بی‌فایده می‌بینند. در این شرایط ما باید با صنوف مختلف وارد دIALOG شویم تا نمایندگان واقعی اینها را به جریان اصلاحات و نهادهای انتخابی وارد کنیم؛ به‌این‌ترتیب دغدغه‌ها را بهتر درک می‌کنیم. از این گذشته، مردم متوجه می‌شوند ما به دایره بسته مدیران تکثا نمی‌کنیم و به مسئله نمایندگی همه قشر‌ها توجه داریم. این کار باید از الان انجام بگیرد و مربوط به شب انتخابات نیست. ذیل این کار دو دسته توافق‌یاید صورت بگیرد؛ یکی توافق‌های صنفی است؛ باید مشخص کنیم تا چه حد و در چه قالبی

مطالبات صنفی را می‌توان پوشش داد. دوم میناق و توافق‌های ملی است. ببینید! اگر به کارگران بها دهیم و در تهران لاقل پنج نماینده واقعی از آنها داشته باشیم، چشم و امیدشان از خارج قطع می‌شود، گروه‌های فرصت‌طلب سخنگو و نماینده آنها نمی‌شوند و احساس می‌کنند مدیریت بسته کشور در حال گشوده‌شدن است. این الگو درباره معلمان هم کارااست و دیگر نمی‌توان و نباید به انجمن اسلامی معلمان مانند خانه کارگر اکتفا کرد. ممکن است این اندیشه ابتدا پذیرفته نشود، اما باید مطرح شود و به میزانی که پذیرفته شود، قدرتمند می‌شود و مخالفان ناگزیر از تمکین به آن هستند. نتیجه‌گیری من این است که ما به‌لحاظ راهبردی آلترناتیوی برای انتخابات نداریم با اینکه انتقادها به سیاست‌ورزی انتخاباتی و... را وارد می‌دانیم. **علوی‌تبار:** به‌نظم، ما در حال فرار از دیکر واقعیت مهم هستیم. بخشی از اصلاح‌طلبان در حال فاصله‌گرفتن از بخش دیگر هستند. باید به این فاصله رسمیت داد. ما باید از احزاب مطرح و شخصیت‌های برجسته هسته‌ای درست کنیم و در آن، مستقل از قیدوبندهای بوروکراتیک فعالیت‌تیم می‌گویم مشکل مردم قانون‌شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان نیست، به‌رحال کارایی دارد و به حد وسع فصل خصوصت و تعارض می‌کند، اما نمی‌توان از آن انتظار کارهای پیشرو داشت. به‌نظرم باید بی‌ترس و واهمه به دنبال هسته پیشرو برویم و برای جلوگیری از تعارض، نظرات به‌صورت فردی اعلام شود. هدف ما باید تدوین برنامه‌ای باشد که ذیل آن، جایگاه احزاب به آنها بازگردانده شود. ما احتیاج به یک مرکز آموزش واحد برای تمامی احزاب داریم. البته با ط‌رح مطالبه قدمی به جلو نمی‌گذاریم. باید به فکر ایجاد نیرو باشیم.

حجاریان: من هم قبل درباره هسته سخت گفته‌ام و به دنبال تعطیلی جمع‌های موجود نیستم.

روزنه

موسوی‌لاری: اصلاح‌طلبان در چار چوب نظام قدم برمی‌دارند

● **عبدالواحد موسوی‌لاری،** وزیر کشور دولت اصلاحات، معتقد است بعد از ۴۰ سال حکومت‌داری باید به این نتیجه رسیده باشیم رمز پیروزی این است که بدون لکنت دیدگاه‌ها بیان شود و تفسیر نامناسب باعث بسپاری از مشکلات می‌شود و برای اینکه راه انقلاب دتوام پیدا کند، وابسته به اعتماد عمومی است. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب به اینا گفت: «خواست‌های مردم از سال ۴۲ تا ۵۷ همان شعارهایی بود که در راهپیمایی‌ها می‌دادند. مردم استقلال ملی، آزادی و حضور بی‌دغدغه در عرصه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی را می‌خواستند، به همین دلیل هم اگر کسی از من بپرسد من خواهم گفت که کل خواسته‌های مردم به استقلال و آزادی در قالب نظامی که هم حضور مردم در آن دیده شود و هم باورها و اعتقادات اسلامی مردم مورد احترام قرار بگیرد، خلاصه می‌شود». لاری در ادامه با بیان زمینه‌های آرمان‌های انقلاب اسامی یادآور شد: «مجلس در شرایطی آغاز به کار کرد که همه‌چیز تقریباً تعیین تکلیف شده بود. در آن زمان ریاست‌جمهوری، شورای نگهبان، قوه قضائیه، ارتش و سپاه شکل گرفت و مسیر برای اینکه آرمان‌های مردم تحقق پیدا کند، آماده شده بود تا اینکه جنگ آغاز شد». او ادامه داد: «امروز معتمد در آن سال‌ها آزادی عمل بیشتری داشتیم، روزنامه‌ها مشغول به کار بودند، احزاب فعالیت می‌کردند و انتخابات که نماد و مظهر حضور مردم بود، بدون هیچ مشکلی برگزار می‌شد».وزیر کشور دولت اصلاحات از خواسته‌های مردم از انقلاب اسلامی سخن گفت: «مردم از انقلاب اسلامی عدالت و برابری را می‌خواستند و می‌خواهند، از درون جمهوری اسلامی هم آن را مطالبه می‌کنند. قطعاً نمی‌توانیم ادعا کنیم همه آن چیزی را که می‌خواستیم، محقق کرده‌ایم اما انقلاب به آن سمت حرکت کرده است. البته مشکلاتی هم داشته‌ایم و بعد از گذشت ۴۰ سال آنچه مشکل‌زا است اینک ساختارهایی که در قانون اساسی دیده شده به شکل کامل زمینه اجرائی پیدا نکرده است که اگر آن ساختارها اجرائی شوند، موانع پیش‌روی آرمان‌ها به حداقل می‌رسد». موسوی‌لاری درباره اصلاح و تفسیر قانون اساسی گفت: «برخلاف بعضی‌ها که می‌گویند قانون اساسی باید اصلاح شود، زیرا جواب نمی‌دهد، من معتقدم باید از ظرفیت‌های این قانون استفاده کنیم چون ما آن‌طور که باید از آنها استفاده نکرده‌ایم. اعتقاد دارم تفسیر نامناسب از قانون اساسی باعث مشکلات می‌شود که اگر این نگاه اصلاح شود، بتوانیم از فرصت‌هایی که قانون اساسی در اختیار ما قرار می‌دهد، به نفع آرمان‌های ملی و تحقق مردم‌سالاری و عدالت استفاده کنیم». او درباره ضرورت وجود شفافیت در کشور اظهار کرد: «متأسفانه ضعفی که در بعضی از مسئولان وجود دارد این است که تصمیمات را در محیط‌های درستی می‌گیرند تا هنگامی که در چنین محیط‌هایی تصمیمات گرفته نشود، آن‌طور که باید و شاید شفافیت را مشاهده نخواهیم کرد». موسوی‌لاری درباره چگونگی تاوam انقلاب گفت: «باید بعد از ۴۰ سال تجربه حکومت‌داری به این نتیجه رسیده باشیم که تداوم راه انقلاب وابسته به اعتماد عمومی است که از طریق شفافیت، تماس با مردم و اصلاح خطاها و اشتباهات معنا پیدا می‌کند». او با تأکید بر ضرورت تعدد سلاقی گفت: «توجه داشته باشید هنگامی که تعدد احزاب را پذیرفتیم، یعنی پذیرشگر تعدد سلاقی مختلف هستیم پس دلیلی ندارد سلیقه‌ای بشود حق و دیگر سلیقه‌ها محدود شوند، باید همه نظرات پذیرفته شود».موسوی‌لاری در پایان با اشاره به موانع پیش روی جبهه اصلاحات اظهار کرد: «ببینید یک فرضیه بیشتر نیست و آن این است که نظامی که در درون خودش اصلاح را چه در ساختارها و چه در رفتارها و کنش‌ها می‌پذیرد، طبیعتاً جامعه‌اش پویا خواهد بود اما آن اتفاق بدی که در حال حاضر در جریان است این است که ندای اصلاح‌طلبی، یعنی اینکه ما می‌خواهیم با اصلاح در رفتارها و برنامه‌ها و شیوه‌ها جامعه را نو نگه داریم، با مقاومت روبه‌رو می‌شود. براندازان و کسانی که آرزوی از بین‌رفتن این نظام را دارند، قطعاً نمی‌خواهند اصلاحی صورت گیرد، بنابراین آنها نباید با اصلاح‌طلبان موافق باشند زیرا مانع آنان هستند. یک‌ده هم در داخل با اصلاح‌طلبان مشکل دارند؛ کسانی که در داخل مخالفاند، برداشت و تلقی اشتباهی دارند. اصلاح‌طلبی و تغییر در رفتارها و گفتارها را گاهی تا آنجا م‌ذموم می‌دانند که فکر می‌کنند اصلاح‌طلبی براندازی است و اصلاح‌طلبان براندازند درحالی‌که چنین نیست و اصلاح‌طلبان می‌خواهند در چارچوب نظام قدم بردارند. کوبیدن اصلاح‌طلبان و نفی اصلاح‌طلبی از دو طرف نتیجه واحد دارد؛ کسانی که در داخل این کار را می‌کنند می‌خواهند بگویند که این نظام نیازی به اصلاحات درونی ندارد. آتهایی که در خارج این کار می‌کنند می‌خواهند بگویند که این نظام اساساً اصلاح‌پذیر نیست، اصلاح‌پذیرنبودن و نیاز به اصلاح نداشتن نتیجه‌اش یک چیز می‌شود مگر اینکه گروهی با هدف دفاع از نظام این حرف را بزنند. آن گروه دیگر برای سرنگونی نظام این مسئله را بیان می‌کنند».